

عنوان مقاله:

تضاد طبقاتی در یادگیری نوین و پیشبرد آموزشی

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 53

نویسندگان:

مرتضی رسولی - دبیر

الهام کشوری - دبیر

خدیدجه اخوان - دبیر

فائزه قلی زاده - دبیر

مریم سادات رحیمی - دبیر

خلاصه مقاله:

از نیمه دوم قرن بیستم، پژوهش و مطالعه درباره کودکانی آغاز شده است که حالت و کردار آنان برای بسیاری از پدران، مادران، معلمان و مددکاران حیران کننده است. زیرا: اغلب آنان علی رغم داشتن هوش طبیعی، بدون بهره گیری از آموزشهای ویژه قادر به ادامه تحصیل نیستند، یا برخی دیگر ممکن است یک روز مطالب را به خوبی فرا گیرند، و روز دیگر تمام آن را فراموش کنند. عده ای دیگر در پاره ای از کارها بر بسیاری از همگنان خود پیشی می گیرند و در قسمتی دیگر مانند کودکان کوچکتر از خود عمل می کنند. بسیاری از این کودکان تنها در یادگیری یک درس خاص دچار مشکل هستند، اما برخی از آنان در یادگیری چند موضوع درسی دشواری دارند. مشکلات یادگیری این کودکان معمولاً با افزایش سن آنان وخیم تر می شود، به طوری که مشکل آنان که زمانی به راحتی قابل تشخیص بود، صراحت و روشنی خود را از دست می دهد، زیرا این مشکل روانی منجر به نارسائی ویژه در یادگیری می شود یا مشکلات عاطفی و روانی خود حاصل نارسائی ویژه در یادگیری کودک است. باید خاطر نشان ساخت که هر دو شکل آن امکان پذیر است. بدین صورت که کودکان با تشنه های عاطفی نمی توانند از حداکثر توانایی های بالقوه خود به طرز صحیح استفاده کنند و لذا کشمکشها و تضادهای روانی می تواند سبب مشکلات یادگیری در یک یا چند زمینه درسی شود. همینطور آبخور مشکل عاطفی کودک می تواند از ناتوانی او در یادگیری در زمینه درسی ویژه باشد.

کلمات کلیدی:

تضادها - پژوهش - یادگیری - آموزش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2054933>

